



# دزدی

## بدون زحمت و درنج

دانشمند محترم جناب آقای فروزش  
مدیر نامه نجات ایران

خواهشمند است این مطلب را در  
آن نامه گرامی که کامی اصلاحات کشور  
است درج فرمائید

موضوع را که دولت مورد توجه  
قرار نداده موضوع دخانیات کشوری  
باشد وضعیت دخانیات بحالت وضعی در  
آمده معنادی بسیار ناگوار برنده سبکار  
را بسته ۷ تا ۷ ریال از بازار آزاد  
خریداری نمائید قلا بازار تجارت رواج  
سابق نداشته و معسکرت دلالان  
تاکنون با بالا بردن قیمت اجناس جیب  
خود را می نمودند بهبهستی و هوساکن  
با تصدیان و عاملان فروش سبکار بر  
آمده واز ایشان جیب خود ویکدمه وقت  
خورا برینمایند

سخنان بی منطق وی دلیلی که از  
دهان مصدیان سبکار بیرون میاید که  
سبکار بقه کافی برای ما نبی فرستند  
صرف بوجهی نیست زیرا اگر سبکار  
بقدر کافی ازکرتخانه تولید کشور  
دست نیاید پس وجود اینهمه سبکار  
آزاد چه معنی دارد تقاضا میشود آقای  
شیخ سبکاری این موضوع را تشریح فرمائید  
که آیا این سبکارهای آزاد از کدام  
از کشورهای جهان خریداری شده است  
مگر غیر از اینست که سبکاری را که  
باید بشرخ حله در بازار بفروش برسد  
از غیر شروع فرخته شده و بنام  
سبکار آزاد در بازار بفروش میرسد

بقهوی سبکار آزاد در بازار با برافروان  
است که حتی ممکن است صدها صندوق  
خریداری نبود آقای محمد علی پردیبه  
ممکاری شاگردان دزد خود حرمی و  
نوری هرامه مبلغ هنگفتی از این راه  
تزدیده و با گرفتن مقداری اضافه از  
قیمت حله از یکمده مردم فقیر ورنه  
رکلاگر هر روز ساختمان نوین و دکان  
جدیدی میسازد رلی حرمی که دزد

سیاسی است اینهمه سرو صدای  
بردم درنماید بصورت ظاهر خودتیمی  
نداده مقداری از پولها را در بانک وبقه  
زاد نرد آشنایان خودش نگاهداشته  
که پس از اینکه سر و صداهای خوابید  
آب از آسیاب افتاد بصرف بارک و  
انوییل برساند بالاخره کسه صبر عده  
از مردم لبریز شده و بر او و همداستانش  
توربند نه حال اگر آقای شیخ احمد میخواهد  
فرماید که ما نیتوانیم جلوی دزدی  
تصدیان و عاملین را بگیریم پس چرا در  
این امر با دولت توافق نظر نکرده که  
سبکار راهم مانده قندو شکر و سایر

چیزهای انحصاری، تحت حکومت ورژیم  
دیگری در آورند تا باین وضعیت رفت  
بار خانه داده شود لدا بدینوسیله خاطر  
اولی امورا از این دزدی بی دودرس  
کسه نه سرمایه ای لازم دارد و نه عرق  
جیب آگاه ساخته و امرواریم که دولت  
برای اصلاح این موضوع فکری باندیشد.

ح - ق

## از بابل منویوید

بطوریکه هیئت جوانان بابل اطلاع  
داده اند ستوان ۲ حسن اردر بر رئیس  
حوزه نظام وظیفه بابل که متولد شده  
آنها بوده و از هر حیث بوضع اهالی آنجا  
آشنایی دارد فوق العاده اسباب زحمت  
اهالی گردیده و مردان زحمت کش و  
بیچاره و کشاورزان بچوزه سرباز گیری  
احضار و اشغالی را که از آنها میتوان  
استفاده نماید با گرفتن پول مرمخس و  
بقیه را که قدرت پرداخت وجه نندارند  
بدون رسیدگی و تشکیل کمیسیون و  
غیره عمل شده آنرا تحویل اداره و  
دادن واز آنها هم که پول میگیرد  
پس از چند ماه مجددا احضار و وضعیت  
دفعه اول را تجدید بنماید  
جوانان مزبور با نهایت بی صبری  
تقاضای انتقال و کفر ستوان مزبور را  
نموده اند

## اخبار بابل

کشف ۷۵۵ کیلو سوخته  
ترباک

در نتیجه بازرسی مأمورین دروازی  
در جامه دانت تکلف مسافر که عازم  
خراسان بود مقدار ۷۵۵ کیلو سوخت  
ترباک کشف و متهم تسلیم دادگاه  
گردید

## خشه آلی

از آنجاییکه اسمال بارانهای فصل  
در بابل کم باریده، محصول برنج مخصوص  
اطراف بابل در معرض خطر قرار گرفته  
در صورتیکه وضع هوا بدین منوال بگذرد  
امید نرود که بیش از ثلث محصول  
سالم بماند

پنجشنبه ۱۶۰ هزار  
تفرق اعیان

چندی است بخش سپهه شکر ۱۶۰  
هزار نفر قراء تابعه بابل آغاز و تاکنون  
بیش از یکصد نفر به شروع برسد که  
وینچند نفر که رسیدگی خاتمه یافته  
بود سپهه شکر که رسیدگی گردید، امید می  
رود تا مادامیکه کلیه قراء اطراف بابل  
سپهه شکر بخش گردد

## وضع شهر

چون شهرداری دارای بودجه کافی  
جهت ترمیم خیابانها و قاطع عمومی نیست  
از این جهت سنک فرش غالب خیابانها بهم  
خورده و عبور و مرور مشکل شده است  
معتدین بواسطه تصویب نرسیدن قرار  
دادن بوق بابل در وزارت کشور چراغها  
خاموش و کارخانه برق وضع نامطلوبی  
ر دارد

## پخش قماش

مدتی است که قماش اهالی بابل شروع  
پخش گردیده و تاکنون بیش از دو تلت  
سپهه خود را در دست و امید است تا  
پایه

## اختلافات حزبی

قرارداد سه شام تیر بنا بدعت  
قبلی نمایش افروز حزب توده درستیای  
بابل داده شود افراد حزب سولن با آوردن  
عده از شای دودرسد جلوی گیری از نمایش  
آراده و بزاهدای مخمیری رخداد که  
برائ مذاخله پاسیان و زاندام خانه  
بافت

# تخیم نوغان

## خبر انکار بیهای نوغان و وپيله

دردمگان و مازندران

## حضرت آقای فروزش

تجددت کردم پس از اراحت بندی خاطر مبارک عالی را مستحضر میدارم  
بوجهی امریه شماره اداره نوغان مازندران بستی در گرگان مدتی است دستور  
از گرگان عمل شده آنرا تحویل اداره نوغان نمایند بطوریکه رئیس اداره املاک  
یک مثال بپله از طرف اداره املاک و دروغا با تحویل شبعه خریدار نشده است اداره  
نوغان مازندران در حدود ۱۵۰۰ جبهه تخیم نوغان با اداره املاک گرگان داده که  
بپله عمل شده آنرا تحویل اداره نوغان نمایند بطوریکه رئیس اداره املاک  
اطهار میدارد کلیه جبهه فاسد و در خواب چهارم مردنه خواست خاطر مبارک را  
مستحضر نمایم شارا بخدا بی بالائی اداره نوغان رامشاهده کنی با اینکه اداره  
املاک آگاهی گرگان رسماً با اداره نوغان اعلام میکند و تقاضای مأمورینی بنماید  
مفادک اداره نوغان کوچکترین اقدامی در این قسم نکرده باینکه اگر از طرف  
اداره نوغان مأمورینی اعزام میشدین جبهه فاسد و در خواب چهارم نمیدردند  
اقلا دولت در حدود ۵۰۰ یا بیشتر بپله بدست میآورد و از این مقدار تصدیق  
خواهند فرمود بجز بدست دولت میرفت و از دوطرف هم وصول بهره مالکانه  
املاک از پله های حل شده - هم آمدن سه کمیسیون برای گرگان که هر کمیسیون آن  
مرکب از ۵ نفر با گرفتن حقوق در مقابل هیچ شارا بخدا توجه میفرمائید که  
دولت هیچ در فکر عایدات حق خود نمیشد اگر بپله بخوام از این قسم با اداره  
خود نظریه بدهم بایستی مودرمودم اخذ کرده مر بوطه خود شوم اما مقوس که جودان  
من بین اجازه میدهد که صرف حق بایستی گفته شود شاید یک صاحبی برای این  
کشور ویران پیدا شود بنده خواستم جبرانات این امر را بر سر کمر بنویسم باز  
خود را بیرون کردم که از شما بخوام لدا اگر اجازه میفرمائید شرح مفصلی از زمین  
عمل بپله بر سبک و حتی بتمام جناب آقای نصحت وزیر فرزند پاک ایرانی تقدیم  
نمایم مر شن بنده برای چند روز دیگر خدمت میرسم

نجات ایران - این است وضع عمل ادارات ما و دل سواری آنها در حفظ  
منافع کشور - بهرحال انتظار داریم اولیای امور توجه فرمائید و آقای نصحت  
وزیر اوار موثر فوری در تعقیب رسیدگی موضوع صادر فرمائید

## مژده که منتشر شد

تا تمام نشده بشتابید و بخرید

## رساله هیست مقاله مهم

(ماو سیدضیاء الدین) منتشر شد

در خرید عجله کنید

محل فروش: خیابان فردوسی - کتابخانه خانانی  
کتابخانه نجات ایران  
کتابخانه لاله زار - کتابخانه تهران  
کتابخانه سیروس - کتابخانه حافظ  
نمایندگان شهرستانها: تهران، کاشان، ناسرستان  
وچه فوراً درخواست نمایند برای نمایندگانی که فرستاده شده فوراً  
بپاه آنرا ارسال دارند

## نجات ایران

تلفون	۸۷۶۸
بهای اشتراك سالانه	۳۵۰ ریال
شش ماهه	> ۱۸۰
سه ماهه	> ۱۰۰

## چاپخانه مظاهری

از محل سابق خود به خیابان (اکباتان)  
رو بروی دیوار وزارت فرهنگ منتقل گردید

آهنده اژدر گیری چون چندی بگذرد در جبهه امید برویت کشوده شد و معیوب  
خوشی را در آستانه آن ظاهر بینی که بختی در لب دارد و موشی فروزان  
در دست چون تورا بدین بیان بیند خاد و غم شود سپس ندی فراتر نهد و تورا  
بدین بی باکی و سستی بسی ملامت کند آنگاه باختم فراوانی بان سخن گوید  
برخیز و از همین راهیکه آمدای باز کرد که این بیابان را پیشه های خطر  
ناکی است و تورا بارای استادگی در برابر آن نیست چرا اشک میریزی ؟  
چرا ناله میکنی ؟  
مگر نشنیدی که در نایلین بابل ز نوآموزی مشق است ؟  
کنون من و تورا فاصله چندانی نیست ولی بدان که در همین فاصله  
کو، آگوهای دزهای خطرناکی وجود دارد با بنداری شهامت میخواهد و بس  
برخیز دامن بکش زنت و راه این بیابان مقوف پیش گیر ایست  
مشق فروزان دودست گیر که تورا در این راه رهنمایی کند .  
نیدام شاید در آنجا طافت نگاهدارا نداشته باشی و شاید نیز دل بدربا  
زده و لظه های پشیمان قناتش خیره شوی . نگاهبان شعله ای فروزان از میان دو  
چشمت جستن کند و جسمو رویت را سوزاند .  
زمانیکه بخود آبی و رنگهای با طرف خود کنی چیزی نبینی بجز بیابان و  
صعرا و سیمی که تابش ترا توانائی است خشک و بی آب و عطف خواهد بود .  
لرزی سربازان وجود ترا برزاند و اشک در چشمت خشک شود . شمله قلبت  
فروزان در جبهه امید بسته و بارباز رفت است .  
نگاه ....  
آری هماننگاه از چشمان فتنه انگیز مشقوه ترابیندی حالی گرفتار کرده  
است هماننگاه بیادستان من خواهی افتاد علامت شیشمانی بر جبهه ات نقش خواهد  
بست ،  
ولی من عفر ترا خواهم پذیرفت و ترا بدین گناه آزاده نخواهم  
ساخت .  
پس اکنون گوش فرا دار تا شمه ای از تاثیر چشمان زریالبار برای شما  
باز گویم

## سئوال

روزنامه ادبی را فرمانداری نظامی بپیل خود یا بدستور مقاماتی  
توقیف کرده اگر چنین حق را از برای خود تصور کرده باشد مجوز آنرا بیانی  
کنند و اگر بدستور مقاماتی عمل خوب است مقامات مذکور را معرفی کنند تا به  
تکلیف قانونی و مطروعی است کم و الا با جرم از نهانی مسیبتن اختناق آزادی  
را آشکارا و بر سر دای و بی اساس این گونه عملیات خلاف قانون برادر (میراحمد  
مدنی مدیر روزنامه پرورش)  
نجات ایران - ما از توقیف روزنامه ملی و معیوب پرورش متاسفیم  
انتظار ما از آقای نصحت وزیر و فرمانداری نظامی این است که در رفع توقیف آن توجه  
شایسته معمول دارند

## تلگراف از قزوین

# تنفر از ملك مدنی

مجلس شورای ملی رو نوشت فرا کمیون توده جبهه آزادی رهبر بیانات  
موهن عاری از حقیقت ملک مدنی نسبت به حزب متین توده ایران آزاد بخوان  
این شهر را منزجر بدینوسیله نفرت خود را از این اظهارات مرتجعانه ابراز  
میدارد ۱ کمیته ولایتی حزب توده ایران در بیان

## آقایان مشترکین محترم

# مرکز وشه ستانها

خواهشمندیم در تصفیه حساب و ادای بدهی  
خودتان تسریع فرمائید

(دفتر نجات ایران)

## مرامش تربیت ملار است

شماره دوم و سوم زبان زنان منتشر شد  
زبان زنان راهنمای تربیت خانوادهها - بهداشت عمومی پرورش کودکان  
و حادی دستورات عیدیه میباید راجع آباد معاشرت طباطبی - شیرینی بزی -  
صرفه جویی - تهیه لباس - انواع آرایش و لوازم زندگی راجع بخانه داری -  
نیز دارای مقالات ادبی و اجتماعی و تربیتی میباشد در ۳۴ صفحه با گزارشهای  
مختلف ماهی یکجله منتشر میشود اداره مجله زبان زنان کانون بانوان است  
(دفتر زبان زنان)

## آگهی

# روزنامه گیهان

از روزیکشنبه با نهمم دراد منتشر خواهد شد

اداره روزنامه گیهان چند نفر موزع چیخ سوار که دارای چرخ باشند  
باحقوق مملکی استخدام مینماید داوطلبین بدفتر روزنامه واقع در خیابان برق  
سرچشمه جنب مسجد محمودیه مراجعه نمایند .  
۳ - ۲

## دفتر و کالت

### و مشاوره امور قضائی

دفتر و کالت و مشاوره امور قضائی آقای فروزش وکیل درجه اول،  
داد گستری و مدیر این روزنامه باستانای ایام تعطیل همه روزه از ساعت  
۸ تا بعد از ظهر در محل همیشگی خود ( خیابان فردوسی ) مفتوح و دائر  
است - و کالت مراجعین محترم در دفاع از اتهامات کفری خاصه در دیوان  
کفر کار کنان دولت و همچنین مراجعات حقوقی بذرفتنه میشود .  
نشانی : خیابان فردوسی ) تلفون ۸۷۶۸

## چاپخانه مظاهری

در آن لحظه کرام مست باده عشق بود . تمام آرزو و آمال خود را در چهره  
رزالیا میخانه دنیا و آنچه در آن بود همه در نظرش بوج و بیمنی بنظر  
میرسید تنها چیزی که معنی داشت تنها چیزی که مفهوم خارجی داشت رزالیا  
بود و بس .  
رزالیا و کرام دقیق زبانی را بسکوت گذرانیدند در آن لحظات رزالیا  
متفکر و اندیشه ناسک با سگلهای سفید کنار چین بازی میکرد و کرام نیز چشم  
بنتقله ای دوخته و بفکر عالمی کنار خوشش فرو رفته بود . ناگهان رزالیا که معلوم  
تبود تا آن دقیقه چه میاندیشید سر برداشت و گفت :  
من نیز شمارا شناختم .  
کرام آهسته سر برداشت و گفت :  
بس چه مانعی برای عروسی ما وجود دارد ؟ کرام از ترس اینکه مبادا باعث  
ناراحتی صدق رزالیا شده باشد ساکت و خشمش سر بریز افکند سپس هر دو قدم  
زدن مشغول شدند چند دقیقه دیگر گذشت و کرام برای آنکه بالاتر نه باین سکوت  
خسته گشته خامه دهد گفت :  
شما گلزار دوست دارید ؟  
رزالیا با شادی و خوشحالی که معصوم دخترانث جوات است  
بامخ داد .  
آماگر بدانید که من چقدر گلزار دوست دارم ؟  
کرام شروع بیپین گل کرد و در مدت چند دقیقه مقدار زیادی گل لاله  
سرخ جمع آوری کرد . سپس بانامق هم بطرف جاده رهسپار شدند و یک اتومبیل  
کرایه ای صد کرده تمام گل را بر روی آن ریختند تا گل مانند دوفر نامزد  
خوشبخت و فارغ از هر گونه غم و غمخورد در میان گلها جای گرفتند .  
\*\*\*  
ساعت هشت صبح بود که هر دو در مقابل یک کافه های درجه دوم بیرون  
شهر پیاده شدند کرام برای احتیاط اتومبیل بر از گل را بپزد سام هیلان و بوسیله  
زاننده آن بسام هیلان پیام داد که ما سالم بوده و یک ساعت دیگر بینگاه  
خواهیم آمد